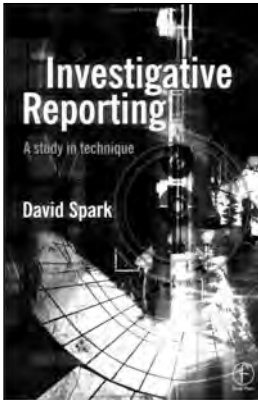


روزنامه نگاری تحقیقی از دو نگاه



کریس فراست*
ترجمه نیکو سرخوش

A study in Technique
- Investigative Reporting:
- David Spark
- Oxford: Focal Press
- 1999. 271 pp.



Context and Practice
- Investigative Journalism:
- Hugo de Burgh (ed.)
- London: Routledge
- 2000. 325 pp.

نهایی و آخرین چیزی است که به دست خواننده می‌رسد. محصولی شسته رفته، حرفه‌ای، هیجان‌انگیز و اغلب تحسین برانگیز. در ضمن گزارشگری تحلیلی این خطر را دارد که [دسته‌بایش] آلوده‌تر شود (دست کم). [برای نمونه] در مورد گزارشگری که در صورت موفق بودن، در آخرین بند، بحث برمی‌انگیزد و اعتراض می‌کند و متقابلاً افترا می‌زند، این گمان می‌رود که با قانون شکنان گفت و گو کرده و به افرادی اتکا کرده باشد که بنا به عادت دروغ می‌گویند یا به منابعی گوش داده باشد که قصد فریب دارند. اما ما نمی‌توانیم یکی را بدون دیگری داشته باشیم و این دو کتاب به خوبی هر دو سوی این سکه را نشان می‌دهد.

با بررسی این که ژورنالیسم تحقیقی چیست، از کجا نشئت گرفته است و چگونه با نیازهای جامعه منطبق است، در خواهیم یافت که به چه نحو می‌توان به آن پرداخت. کار د برگ این است که تاریخ و بافت گزارشگری تحقیقی را در چارچوب اجتماعی بریتانیا بررسی کند.

د برگ بخش اعظم کتاب را خود نوشته است، اما مابقی آن را بر همکاری‌ها استکا کرده است که در مرکز پخش برنامه و ژورنالیسم دانشگاه ناتینگهام ترنت کار می‌کنند یا کار می‌کردند. دیوید نورث مور دو سال قبل در کتاب خود در مورد گزارشگری تحقیقی تحت عنوان *Lifting the Lid* که مربوط بود به کار کارشناسی ارشد او در حوزه ژورنالیسم تحقیقی، به این امر پرداخت. اما متأسفانه کمی بعد از انتشار کتاب به شدت مورد انتقاد گاردین قرار گرفت.

ژورنالیسم تحقیقی با فصلهایی به قلم د برگ آغاز می‌شود تا تاریخچه و پیشرفت ژورنالیسم تحقیقی را در بریتانیا ترسیم کند. فصل اول خواننده را به سمت وقایع‌نگاری نخستین گزارشگری هدایت می‌کند که در زمانه‌ای کار می‌کردند که در آن نه انتظار واقع‌گرایی می‌رفت و نه خواهان آن بودند.

کتاب د برگ با د لین، راسل و دیکنز آغاز می‌شود و سپس خواننده را به سمت دبل یو. تی. ستید هدایت می‌کند. شگفت آور این که این فصل در همین جا به پایان می‌رسد تا نشان دهد که چگونه ژورنالیسم تغییر کرد تا در اساس به کالایی سرگرم‌کننده بدل شود، اما در مورد نیمه نخست سده بیستم بحث اندکی می‌شود. فصل بعدی با عنوان «سی سال ژورنالیسم تحقیقی بریتانیا» به مواردی اشاره می‌کند که می‌تواند در فهرست شرمندگی (یا اگر روزنامه‌نگار باشید، سرافرازی) قرار گیرند: پروفومو (Profumo)، راشمان (Rachman)، پولسن (Poulson)، تالیو ماید (Thalidomide) و فاجعه DC10 و برخی دیگر. اینها همگی مثالهای خوبی‌اند از این که روزنامه‌نگاران می‌توانند امور را به سمت

این نکته که بخش اعظمی از ژورنالیسم به سرگرمی، شایعات در مورد سینما و تبلیغات می‌پردازد، شاید سبب شود تا الزام پرداختن به نوعی از ژورنالیسم ضروری شود، ژورنالیسمی که به واقعیتها بپردازد و سپس آنها را به گونه‌ای صادقانه به منزله ژورنالیسمی تحقیقی گزارش کند.

به تعداد گزارشگرانی که نسبت به این اصطلاح [ژورنالیسم تحقیقی] رو ترش می‌کنند (با این ادعا که معتقدند تمامی ژورنالیسم باید تحقیقی باشد)، گزارشگرانی نیز هستند که با احترام و غبطه نسبت به خبرنگاری که در جایی در مورد کارهای کثیف فلان تجارتخانه بزرگ، فلان سیاستمدار یا تشکیلات قضایی قلم می‌زند، برخورد می‌کنند - [خبرنگاری که] هزینه افشاگری‌اش را می‌پردازد.

د برگ معتقد است که ژورنالیسم تحقیقی باید «حقیقت را کشف کند، و در هر رسانه‌ی دسترسی بتواند حقیقت را از خطا تمیز دهد» (P.9)، در حالی که سپارک معتقد است که ژورنالیسم تحقیقی فراتر از ژورنالیسم رایج است، فراتر از ادعا و پاسخ: «آنها در صددند یک ادعا را اثبات یا رد کنند» (P.4). نزد سپارک کلید گزارشگری تحقیقی وارد شدن به مسائل است. او به گزارشگر توصیه می‌کند تا برای کشف حقیقت، بی‌طرفی را در بسیاری از جنبه‌های یک مباحثه رعایت کند. د برگ با اصطلاح بر ساخته مارتین بل (۱۹۹۸) تحت عنوان ژورنالیسم الحاق (Journalism of attachment) مسئله دارد. بل واقع‌گرایی خاص خود را می‌سازد، آن هم از طریق طرح دیدگاههای خبرنگاران برجسته جهان، در صورتی که این نکته را نادیده می‌گیرد که گزارشگران بسیاری هستند که دلایل کاملاً موقتی در دست دارند که یا کاملاً بی‌طرف بمانند یا اگر طرف کسی را می‌گیرند، طرف ضعیف باشد.

این دو کتاب معرف دو شیوه متفاوت بررسی ژورنالیسم تحقیقی است. کتاب نخست، فلسفه آن را بررسی می‌کند - ژورنالیسم تحقیقی چیست؟ چه کاری انجام می‌دهد و چگونه؟ و کتاب دوم، روش آن را بررسی می‌کند. حتی از همان جلد کتاب و از عناوین آنها می‌توانیم تفاوت‌های این دو را به لحاظ رویکرد دریابیم. د برگ از دور، دست به تحقیق می‌زند، به عبارتی روی تپه‌ای می‌ایستد و با تلسکوپ به کارزار ژورنالیسم تحقیقی می‌نگرد. اما سپارک حتی آستینهایش را بالا می‌زند و دستهایش را آلوده می‌کند. او می‌خواهد با گزارشگران و منابع آنها گفت و گو کند. او می‌خواهد تا از نزدیک گزارشگری تحقیقی را بررسی کند.

البته هر دو به طور تنگاتنگی به هم وابسته‌اند. بدون حضور گزارشگران تحقیقی، ژورنالیسم تحقیقی وجود نخواهد داشت. اما ژورنالیسم تحقیقی محصول

د برگ معتقد است که ژورنالیسم تحقیقی باید «حقیقت را کشف کند، و در هر رسانه در دسترسی بتواند حقیقت را از خطا تمیز دهد»

کار د برگ این است که تاریخ و بافت گزارشگری تحقیقی را در چارچوب اجتماعی بریتانیا بررسی کند

تحقیقی این است که دامنه گزارش را باید فراتر از گزارشگری صرفی برد که شخصیت‌های اصلی می‌خواهند نقل کنند: «گزارشگری تحقیقی به منظور ارائه واقعیتها فراتر از ادعا و انکار گام برمی‌دارد، این گزارشگری به منظور تصمیم‌گیری در مورد یک مسئله، تا حد امکان تمام جنبه‌ها را بررسی می‌کند» (P.1)، و این نکته حاصل پیامی قابل توجه به روزنامه‌نگاران است که قصد تهیه گزارش را دارند که تنها دو یا سه نفر آمادهٔ مصاحبه‌اند و آشکارا همگی مطلبی را پنهان می‌کنند.

سپارک با واقع‌گرایی نیز مشکلی ندارد: «از همین رو گزارشگری به گونه‌ای بی‌طرفانه میان ادعا و پاسخ در تعادل است. این نوع گزارشگری نشانگر دوری در مورد واقعیت‌های کشف شده است» (P.2). و همین نکته محور فلسفهٔ سپارک است. گزارشگری تحقیقی، ژورنالیسم را به فراسوی گزارشگری ادعایی می‌برد تا بدین ترتیب حقیقت را برای خود کشف کند و دوری در مورد حقیقت را در اختیار گزارشگر قرار دهد.

کتاب سپارک تلاشی است در جهت طرح پیشنهادهای عملی به کسانی که می‌خواهند مهارت‌های تحقیقی‌شان را ارتقا دهند. وی این کار را با گفت‌وگو با بسیاری از عاملان این حرفه که اکثراً مشهور و مورد احترام‌اند انجام می‌دهد. به رغم این مطلب، کتاب به سرعت مشخصهٔ نقل قولی و حکایتی به خود می‌گیرد: «راجر کوک می‌گوید که...» (P.43)؛ «نیک دیویس می‌نویسد که...» (P.43). «دوستی به من گفت که...»، «دوستی دارم که...». این ادامهٔ پیوستهٔ مثالها در مورد روشهای درست یا نادرست، خسته‌کننده است و گرچه پیشنهادها همگی درست و به قاعده‌اند اما بهتر بود که نمونه‌های پژوهشی از نقل قولها جدا می‌شد. و این امر تا حدودی در پایان کتاب و ارائهٔ مجموعه‌ای از نمونه‌های پژوهشی مفید متحقق می‌شود. اما در نهایت این [ایجاد] خستگی به زبان کتاب تمام می‌شود.

در هر دو کتاب خطاهایی به چشم می‌خورد که باید در چاپهای بعدی تصحیح شود؛ اما به جز نورث مور کسی کار چندانی در مورد گزارشگری تحقیقی در بریتانیا انجام نداده است. تمام کسانی که می‌خواهند روزنامه‌نگار شوند یا به مطالعهٔ ژورنالیسم و رسانه‌های خبری علاقمندند باید این دو کتاب را بخوانند، هم به دلیل بحث کتاب در این مورد که ژورنالیسم تحقیقی چیست و هم به دلیل جایگاه آن (یا فقدان چنین جایگاهی) در روزنامه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی امروز.

پی‌نوشت:

Chrisfrost, University of Central Lancashire

بهتر شدن متحول کنند؛ هر چند که نامیدن سی سال آخر سدهٔ بیستم تحت عنوان عصر طلایی تحقیق کمی تعجب‌برانگیز است، زیرا مهم‌ترین نمونه‌ها مربوط است به دههٔ شصت. در فصلهای پایانی این نکته به مراتب گیج‌کننده‌تر می‌شود زیرا چیمبرز، مرگ تحقیقات را زمانی پیش‌گویی می‌کند، که ده سال پیش از آن مفسران بر مرگ آن گریسته بودند.

در دو فصل بعد شاهد تغییر آهنگ کتاب از نگرانی شدید د برگ در مورد واقعیت‌گرایی عظیم هستیم و سپس رشتهٔ بحث به «دورا چیمبرز» سپرده می‌شود. به نظر می‌رسد که دیدگاه چیمبرز در مورد بافت متغیر گزارشگری تحلیلی بدین گونه است که او چرخش هزاره را محور اصلی می‌داند زیرا «ژورنالیسم تحقیقی در سه دههٔ آخر سدهٔ بیستم شکوفا شد. و تحولات اخیر در بازار رسانه‌ها اکنون پرسشهای مهمی را در مورد وضعیت آینده مطرح می‌کند» (P. 89).

او به دقت به ذکر محدودیتهایی می‌پردازد که رسانه‌های تحت ادارهٔ بازار بر خبرنگاران تحمیل می‌کنند. آن فرض اغلب پذیرفته شده که گزارشگران عواملی‌اند که آزادانه تحقیق می‌کنند، دیگر باطل شده است، و او مشکلات پیش‌روی گزارشگرانی را طرح می‌کند که می‌خواهد چیزهایی بنویسند که کارفرمایانشان نمی‌خواهند. وی همچنین دامنهٔ این بحث را تا حد سیمای در حال تحول رسانه‌ها در سطح جهانی گسترش می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه این نکته نیز می‌تواند برای ژورنالیسم تحقیقی مانع‌تراشی کند.

آهنگ کتاب در این جا تغییر می‌کند (تقریباً در نیمهٔ راه) و فصل خوبی در مورد چارچوب حقوقی تحقیق به قلم گیل مور و فصل دیگری به قلم متیو کیران در مورد چارچوب اخلاقی و قاعده‌مند [تحقیق]، بر اهمیت منابع و مدارک و دامهای بی‌شمار پیش‌روی گزارشگران اشاره می‌کنند، گزارشگرانی که می‌خواهند پلشتی را در مورد افرادی که یا پاک‌اند یا قادرند بابت پاک شدن پول خوبی بپردازند، کشف کنند.

هیچ کتاب گزارشگرانه‌ای بدون وجود فصلی در مورد روشهای نوین تحقیق در رسانه‌ها کامل نخواهد بود، خواه گزارشگری به کمک رایانه یا صرفاً استفاده از پایگاههای آنلاین. بی‌شک تکنولوژی بهترین دوست گزارشگر امروز است؛ بنابراین ارزش آن را دارد که نحوهٔ استفاده از آن به خوبی بیان شود و این کتاب چندین نمونهٔ پژوهشی عمیق را یک جا گرد آورده است.

در ضمن سپارک نسبت به مباحث مربوط به گزارشگری تحقیقی بی‌علاقه نیست و به نظر می‌رسد که آن را فعالیتی قابل تحسین می‌داند که در اساس با ژورنالیسم رایج متفاوت است و باید مورد تشویق قرار گیرد. برداشت او از گزارشگری